

# A Study of Factors and Instances of Globalization in the Attitude of Reformist and Fundamentalist Elites

Morteza Ramezani<sup>1</sup>, Alireza Amini<sup>2</sup>, Maghsood Ranjbar<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D., Student of Iranian issues, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Mr\_ramezani13@yahoo.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran  
(Corresponding author). Aminialireza1335@gmail.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.  
maghsoodranjbar@gmail.com

## Abstract

The purpose of the present research is to investigate and identify the factors and instances of globalization in the attitude of reformist and fundamentalist elites. The research had a practical objective and data collection was conducted by library study through a descriptive and analytical method. The results showed that since globalization is a project proposed by reformist elites and compatible with their intellectual foundation, it inevitably has caused improvement in different fields of identity, culture, economy, politics, foreign policy, and national sovereignty. On the other hand, since conservative and fundamentalist elites believe in an ideological government, ideological and traditional discourse, and mass society, globalization from their viewpoint could not bring any opportunity and has had no result but threatening the identity, culture, economy, politics, foreign policy, and national sovereignty of the country. It seems that this group of elites do not have an optimistic attitude toward globalization to bring any opportunities in the fields of identity, culture, economy, politics, foreign policy, and national sovereignty.

**Keywords:** Globalization, National Sovereignty, Reformist Elites, Fundamentalist Elites, National Identity.

---

Received: 2022-07-04 ; Received in revised form: 2022-09-01 ; Accepted: 2022-10-17 ; Published online: 2022-12-22

DOI: 10.22034/sm.2023.554710.1893

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## بررسی و شناسایی عوامل و مصادیق جهانی شدن در نگرش نخبگان اصلاح طلب و اصول گرا

مرتضی رمضانی<sup>۱</sup>، علیرضا امینی<sup>۲</sup>، مقصود رنجبر<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مسائل ایران، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Mr\_ramezani13@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Aminialreza1335@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. maghsoodranjbar@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی عوامل و مصادیق جهانی شدن در نگرش نخبگان اصلاح طلب و اصول گرا می باشد. نوع پژوهش به لحاظ هدف کاربردی، و روش گردآوری داده ها مطالعه کتابخانه ای بوده و ماهیت پژوهش توصیفی و تحلیلی است. نتایج نشان داد چون جهانی شدن بخشی از پروژه نخبگان اصلاح طلب بوده و با بنیاد فکری آن ها سازگاری داشته، لاجرم جهانی شدن در نظر و نگرش این دسته از نخبگان موجب پیشرفت در حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی شده است. در مقابل، جهانی شدن در نظر و نگرش نخبگان محافظه کار و اصول گرا به جهت عواملی چون: دولت ایدئولوژیک، گفتمان سنت گرای ایدئولوژیک و جامعه توده ای، نتوانست موجب فرصت شود و نتیجه ای جز تهدید برای حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی نداشته است. در راستای نظر و نگرش نخبگان محافظه کار و اصول گرا به نظر نمی رسد که این دسته از نخبگان بخواهند نسبت به فرصت های جهانی شدن در حوزه هایی چون: هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی خوشبین باشند.

واژه های کلیدی: جهانی شدن، حاکمیت ملی، نخبگان اصلاح طلب، نخبگان اصول گرا، هویت ملی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2023.554710.1893

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، موج جهانی شدن از بسترهای قدیمی خود بیرون آمد و بخش بسیار بزرگی از دنیای در حال توسعه را دربرگرفت. با سقوط اردوگاه سوسیالیسم و پیوستن چین به بازرگانی جهانی، همگرایی اقتصادی به سراسر سیاره زمین گسترش یافت. تأثیر فرایندهای جهانی شدن، به تبع سرایت امواج جهانی شدن در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، در منطقه خاورمیانه نیز مشهود و محسوس بوده است. به این ترتیب و تحت تسری امواج جهانی شدن به حوزه کشورهای خاورمیانه، دموکراسی و آزادسازی فضای سیاسی و تغییراتی در روابط دولت با جامعه مدنی، در کشورهای خاورمیانه پدید آمده است. ایرانیان از همان قرن نوزدهم میلادی، با برآمدن امواج ناشی از مرحله نخست جهانی شدن و اولین تأثیرهای آن در سرزمین‌های همسایه یعنی عثمانی، هند و روسیه پی بردند، که از قافله تحولات فنی، اقتصادی و سیاسی غرب، به گونه‌ای دردناک عقب مانده‌اند. انقلاب مشروطه و نوسازی‌های دوران پهلوی، تلاش برای جبران این واپس ماندگی بود. این تلاش، به رغم همه دشواری‌ها و شکست‌هایش، در بیرون کشیدن جامعه ایرانی از رخوت قرون و اعصار، به نتایج درخشان دست یافت. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی و شناسایی مصادیق جهانی شدن در نگرش نخبگان اصلاح طلب و ترقی خواه می‌پردازد.

یافته‌ها و داده‌ها حکایت از آن دارند که در راستای جهانی شدن، امواج آن به ایران نیز سرایت یافت و به آن پیوست. در این ارتباط، جهانی شدن در ایران در ابعاد مختلفی مانند جهانی شدن فرهنگ و هویت، اقتصاد و سیاست و حاکمیت ملی نمود و بروز یافته است (تاجیک، ۱۳۸۱: ص ۵۲). در این ارتباط، جهانی شدن فرهنگ و هویت، اقتصاد و سیاست و حاکمیت ملی در نزد نخبگان اصلاح طلب مثبت، و به منزله فرصت بوده است. به عبارت دیگر، نخبگان اصلاح طلب جمهوری اسلامی ایران، جهانی شدن در حوزه‌هایی چون، فرهنگ و هویت، اقتصاد و سیاست و حاکمیت ملی را نوعی فرصت تلقی کرده و آن را از ضروریات استلزامات جهانی شدن دانسته‌اند (توحید فام، ۱۳۸۲: ص ۱۴۷).

از سوی دیگر، ایدئولوژیک شدن دولت، یکی از دلایلی است که موجب نگرش منفی و سلبی نخبگان اصول‌گرا و محافظه‌کار، در قبال جهانی شدن شده است. در این ارتباط، ویژگی‌ها و اصول مربوط به دولت ایدئولوژیک در ایجاد نگرش منفی نخبگان اصول‌گرا در قبال جهانی شدن، نقش زایدالوصفی داشته است. در پژوهش حاضر به منظور نشان دادن نگرش مثبت و فرصت دانستن جهانی شدن در نزد نخبگان اصلاح طلب، به نشانه‌های جهانی و نگرش‌های مثبت و فرصت ناشی از جهانی شدن در حوزه‌هایی چون، فرهنگ و هویت،

اقتصاد و سیاست و حاکمیت ملی پرداخته شده است و از سوی دیگر، به بررسی عوامل نگرش سلبی در قبال جهانی شدن از نگاه نخبگان اصول‌گرا و محافظه‌کار و نتایج آن در حوزه‌های مذکور پرداخته می‌شود.

## ۲. چارچوب مفهومی پژوهش (قوام‌بخشی متقابل جهانی شدن و نخبگان)

امروزه جهانی شدن امری انکارناپذیر، هویت‌دهنده، نظم‌دهنده و تولیدکننده مفاهیمی همچون دموکراسی و ابزارهایی (همچون رسانه) است؛ که قادر هستند، آنها را نهادینه سازد. اما این کاربست‌های جهانی شدن از کدام ویژگی‌های سرچشمه می‌گیرد و در حقیقت چرا از این قابلیت برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش برخی از نویسندگان چند ویژگی اساسی را برای جهانی شدن برشمرده‌اند: ۱. وسعت شبکه‌های جهانی (ارتباطات)، که به طور خلاصه عبارتند از: اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی جهانی و روزنامه‌های جهانی. ۲. عمق و شدت به‌هم‌پیوستگی، که غالباً در دو حوزه اقتصادی (تغییرات اقتصادی، شرکت‌های فراملی) و فرهنگی (فرهنگ جهانی)، ظهور و بروز پیدا می‌کند. ۳. سرعت جریان‌های جهانی. ۴. نهادینه شدن شبکه‌های جهانی و اعمال قدرت. ۵. شیوه‌های مسلط تعامل جهانی (سلیمی، ۱۳۸۶: ص ۳۱-۳۲). امروزه جهانی شدن از اثرگذاری و در نتیجه مقبولیتی برخوردار است که مسلماً، فهم کامل نظم جهانی معاصر بدون توجه کردن به «جهانی شدن» حاصل نمی‌شود. از این رو می‌توان گفت که تأثیرات جهانی شدن در حیطه و مقیاس مختلف به تمام نقاط جهان رسیده است (Mozaffari, 2002: p.24). بنابراین، جهانی شدن که مبتنی بر انقلاب ارتباطات شکل گرفت، بسیاری از مفاهیم موجود و وضعیت‌های حاکم بر جوامع را دستخوش تغییر کرد و امکان ارتباط جوامع با یکدیگر را فراهم آورد؛ و جهان را تبدیل به یک شبکه ارتباطی کرد.

یکی از پیامدهای جهانی شدن در حوزه سیاست، گسترش جهانی الگوی دولت-ملت و تقویت آن است (سلیمی، ۱۳۸۶: ص ۲۱). به تعبیر گریت گانگ<sup>۱</sup>، امروزه شاهد تحقق مؤلفه‌ها و معیارهایی برای تمدن در گستره جهانی هستیم. معیارها و مؤلفه‌هایی که معیار تمدن قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپایی (غربی) هستند و عمیقاً در معیارهای بین‌المللی تمدن عصر حاضر گنجانده شده است (Gong, 2002: p.77). جهانی شدن در ترکیب با گسترش تمدن غربی، یک نظم جهانی خاص را خلق کرده است. این نظم جهانی صرفاً به یک ثبات مکانیکی محدود نمی‌شود؛ بلکه نظم جهانی جدید، فراتر از ثبات می‌رود. این نظم نیازمند

1. Gerritt Gong

مشروعیتی است، که کاملاً با مشروعیت مرتبط با حاکمیت مطلق و دائمی؛ یعنی همان میراث نظم و استقلال‌یابی، متفاوت است. تازگی آن در این است که تحولات اخیر، در مقایسه با هر زمان دیگری در تاریخ، مهم‌تر و کلی‌تر است. تغییرات جدید در هویت‌های دولت هم افقی است، هم عمودی؛ یعنی هم اجتماع‌را دربرمی‌گیرد و هم جامعه<sup>۲</sup> (Mozaffari, 2002: p.32). به عبارت بهتر، از جمله ویژگی‌های اصلی مدرنیته یا همان جهانی‌شدن، وجود دولت-ملت است (سلیمی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۵). در نتیجه دموکراسی خواهی و حکومت مبتنی بر رأی مردم را هم می‌توان به عنوان یکی از پیامدهای جهانی‌شدن دانست، که توسط خود جهانی‌شدن در حال بازتولید است. از سویی دیگر، پیامد دیگر جهانی‌شدن، جهانی‌شدن امور نظامی است که یکی از موارد آن، مرتبط با مباحث تروریسم و پیدایش تجارت اسلحه در عرصه جهانی به همراه رشد شگفت‌انگیز فناوری نظامی است؛ که بنابر صحبت بوزان، باید از آن با عنوان دینامیک تسلیحاتی یادآوری کرد؛ عبارت است از: فرایند کمی و کیفی تحول و جابجایی توانایی‌ها و ظرفیت‌های نظامی در عرصه ملی و جهانی (سلیمی، ۱۳۸۶: ص ۴۳). یک توافق کلی بین متفکرین وجود دارد و آن این است که جهانی‌شدن در درجه اول، دارای ماهیتی اقتصادی است (Mozaffari, 2002: p.25).

از این‌رو، جهانی‌شدن جایگاهی خاص در نظم و ثبات کنونی جهان دارد. جهانی‌شدن فرایند کنش متقابل و یکپارچگی مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود، از قوام‌بخشی متقابل دو مفهوم جهانی‌شدن و نخبگان استفاده شود و نشان داده شود که چگونه وضعیت بیرونی جهانی‌شدن بر نخبگان ما تأثیر نهاده است و نخبگان جناح‌های مختلف نیز با دو فهم متفاوت از وضعیت بیرونی، به بازتولید این مفهوم در داخل اقدام نموده‌اند.

### ۳. بررسی عوامل موجد جهانی‌شدن در نگاه و باور نخبگان اصلاح‌طلب و تحول‌خواه

در بررسی عوامل موجد جهانی‌شدن در نگاه و باور نخبگان اصلاح‌طلب می‌توان، به مجموعه‌ای از عوامل زیر اشاره کرد: همسویی با ارزش‌های نئولیبرالی در فراگرد حیات سیاسی؛ لزوم بهره‌گیری از اقتصاد و تجارت آزاد و عبور از اقتصاد کینزی؛ توسعه در روابط خارجی و همگرایی جهانی در حوزه‌های سیاست و فرهنگ به ویژه ترویج ارزش‌های دموکراتیک و حقوق آزادی مدنی و سیاسی و همچنین لزوم گذار به

1. Gemeinschaft  
2. Gesellschaft

دموکراسی. مجموع این عوامل موجب نگرش مثبت و ایجابی نخبگان ترقی‌خواه و اصلاح‌طلب در جهانی‌شدن شده است؛ که در ادامه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

**تأکید بر همسویی با برخی ارزش‌های نئولیبرالی در فراگرد حیات سیاسی:** قرائین و شواهد نشان می‌دهند که ایدئولوژی انقلاب اسلامی کم‌تر مقارنت و میانه‌ای با اندیشه سیاسی لیبرال-دموکراسی و مشخصاً نئولیبرال داشته است. در این ارتباط، مرکز مطالعات استراتژیک به وجود آمد و کنش‌گرانی مانند هاشم آغا‌جری، سعید حجاریان و محمدرضا تاجیک به گفتمان‌سازی برای ارزش‌های نئولیبرال روی آوردند. در واقع روی کار آمدن دولت خاتمی یا همان دولت اصلاحات که در ادامه توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی بر سرکار آمده بود، پاسخی برای هماهنگ‌سازی کشور با ارزش‌های نئولیبرال و همگام‌سازی با رویه‌های دموکراتیک بود.

**تأکید بر لزوم بهره‌گیری از اقتصاد و تجارت آزاد و عبور از اقتصاد کینزی:** به رغم آنکه بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی بر سه بخش اقتصاد دولت، تعاونی و خصوصی تأکید شده است؛ اما متأسفانه ما در جمهوری اسلامی ایران شاهد اقتصاد دولتی بوده‌ایم. دولتی بودن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، نتیجه رانتیرسیم است. در واقع اقتصادی بودن دولت، موجب رکود تورمی است. اقتصاد بازار آزاد و لسه‌فر که محصول دهه ۱۹۷۰ در غرب است، پاسخی برای برون رفت از اقتصاد دولتی کینزی است (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۳۵۴). در جمهوری اسلامی ایران تلاش برای اقتصاد نئولیبرالی اولین بار در دولت هاشمی رفسنجانی با سیاست تعدیل اقتصادی کلید خورد. بعد از آن تلاش برای پیوستن به تجارت جهانی در دستورکار دولت اصلاحات قرار گرفت. در حقیقت، شرایط جهانی و تسری یافتن امواج جهانی‌شدن به کشورهای خاورمیانه ایجاب می‌کرد، که ایران در مسیر امواج جهانی‌شدن قرار گیرد.

**تأکید بر توسعه در روابط خارجی:** جهانی‌شدن نه تنها به‌مثابه در هم تنیدگی مرزها است؛ بلکه به معنای پایان جغرافیا نیز است. در واقع فروپاشی نظام دو قطبی باعث شد، تا مرزهای ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک سابق از میان برود و نه تنها به گفته فوکویاما<sup>۱</sup> شاهد پایان تاریخ باشیم، بلکه به واسطه تراکم زمان و مکان، پایان جغرافیا را نیز تجربه کنیم (قوم، ۱۳۸۹: ص ۱۷۸). در جمهوری اسلامی ایران، ضرورت فروریزی مرزها در سیاست خارجی در ایده گفتگوی تمدن‌های محمد خاتمی، در دوران اصلاحات کلید خورد. جهانی‌شدن، ایده گفتگو تمدن‌ها را برای دستورکار سیاست خارجی ضروری دانست. محمدرضا تاجیک و سعید

1. Francis Fukuyama

حجاریان، معمار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عصر اصلاحات بوده‌اند.

**تأکید بر همگرایی جهانی در حوزه‌های سیاست و فرهنگ، به ویژه ترویج ارزش‌های دموکراتیک و حقوق آزادی مدنی و سیاسی:** یکی از مهم‌ترین سؤالات در باب جهانی شدن این است که نظام بین‌الملل جهانی عصر حاضر، چگونه، کجا، و تا چه اندازه، معیارهای جهانی تمدن می‌تواند حد و مرزهای هویتی را برای آنهایی که درون این حد و مرزها هستند و آن دسته از افرادی که خارج از جامعه بین‌المللی خودتعیین بخش،<sup>۱</sup> قرار دارند از نو مطرح کند؟ (Gong, 2002: p.82).

**تأکید بر لزوم گذار به دموکراسی:** گذار به دموکراسی در عصر جهانی شدن شتاب بیشتری به خود گرفته است. این امر ناشی از همگرایی‌ها دولت در اعتقاد به ارزش‌های دموکراسی است. در چنین شرایطی، امکان پیمان و توافق میان نخبگان حاکم و مخالفان سیاسی میانه‌رو باعث گذار به دموکراسی می‌گردد. افزون بر این، فرایند انتقال گذار به دموکراسی در این دوره، تابعی از میزان همبستگی ساختاری و دوم میزان همبستگی ارزشی در میان نخبگان اصلاح طلب، به ویژه حزب کارگزاران اسلامی بوده است (بشیری، ۱۳۸۵: ص ۲۶۷).

#### ۴. مصادیق و نشانگان جهانی شدن در ایران در راستای نگرش نخبگان اصلاح طلب

در بحث از مصادیق و نشانگان جهانی شدن می‌توان به سه عامل مهم جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن سیاست (داخلی و خارجی) و جهانی شدن حاکمیت اشاره داشت؛ که در این بخش به این سه شاخص اشاره می‌شود:

**جهانی شدن اقتصاد در ایران:** آنتونی مک گرو<sup>۲</sup> خاطر نشان می‌کند، جهانی شدن اقتصاد به معنای تحولی ژرف در اقتصاد جهانی، ایجاد یک بازار مشترک جهانی و نابودی دولت-ملت‌ها به عنوان موجودیت‌های اقتصادی است. پیترویکلین<sup>۳</sup> جهانی شدن را به مثابه یک فرایند دگرگونی در نظام جهانی سرمایه‌داری و یک فرایندی که مجموعه‌ای از گرایش‌های ساختاری و ایدئولوژیک را تشدید می‌کند، تعریف می‌نماید (گرستاین، ۱۳۸۵: ص ۶۷). در ادبیات جهانی شدن از چهار متغیر عمده به عنوان پایه‌های اساسی یا تأثیر فرایندهای جهانی شدن اقتصاد یاد می‌شود. این متغیرهای اصلی عبارتند از: جهانی شدن تجارت، جهانی شدن تولید،

1. Self-determined
2. Anthony Mcgraw
3. Peter Wiklinen

جهانی‌شدن فناوری، و رشد سرمایه‌گذاری خارجی. این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را هلن میلزو<sup>۱</sup> و رابرت کوهن<sup>۲</sup> نیز بدین صورت مطرح نموده‌اند: آزادسازی تجارت خارجی و سیاست سرمایه‌گذاری، مقررات زدایی از بازارهای داخلی، تغییر سیاست‌های مالی و پولی و تغییر نهادهای اجرایی (کلارک، ۱۳۸۲: ص ۵۷).

جهانی‌شدن اقتصاد در ایران، ابتدا در سیاست تعدیل اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی و سپس تلاش ایران به سازمان تجارت جهانی، خود را نشان داده است. در شکل‌گیری سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی، عواملی چون: بازسازی اساسی در ساختار اقتصادی پس از جنگ تحمیلی، آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، برخی نهادهای توسعه‌گرای مالی بین‌المللی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی و جهانی‌شدن، نقش داشته‌اند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۵).

در راستای تشویق بخش خصوصی در رابطه با ورود به عرصه تولید و صنعت، دولت در سال ۱۳۶۸ برای جذب سرمایه خصوصی، بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی را به بخش خصوصی واگذار کرد. با حذف مراکز تهیه و توزیع اقلام و کالاها، میزان مشارکت تجار در تجارت خارجی افزایش یافت. نتیجه این بسترسازی‌ها، افزایش میزان سرمایه‌گذاری خصوصی بود. بدین‌سان در پرتو خصوصی‌سازی، آزادسازی تجارت خارجی، واردات، تعدیل قیمت‌ها و پس از آن با بهره‌گیری و سوء استفاده از شرایط تورم و افزایش نرخ ارز، سرمایه‌داری تجاری رونق قابل ملاحظه‌ای یافت (ظریفی‌نیا، ۱۳۸۸: ص ۱۹۷-۱۹۶).

شورای نگهبان نیز برنامه اول توسعه اقتصادی را در اواخر سال ۱۳۶۸ مورد تأیید قرار داد. تصویب برنامه توسعه اقتصادی توسط نهادهای حکومتی، زمینه را برای فعال‌سازی بخش خصوصی فراهم آورد. از این مقطع زمانی به بعد، بورژوازی کمپرادور در ایران از جایگاه و مطلوبیت بیشتری برخوردار شد. سیاست تعدیل اقتصادی مسیر انقلاب را به سوی جهت‌گیری‌های اقتصاد بازار آزاد سوق داد (تقوی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۶-۱۰۵). دولت هاشمی رفسنجانی تحت فشار بانک جهانی و برنامه تعدیل اقتصادی، سیاست جایگزینی واردات را جای استراتژی توسعه صادرات قرار داد که حاصل آن، اتخاذ سیاست‌های خصوصی‌سازی و آزادسازی بود؛ اما نتوانست در اهداف خود قرین توفیق باشد (Wilkin, 1997: p.21).

**جهانی‌شدن سیاست داخلی و خارجی در ایران:** در ایران، جهانی‌شدن سیاست در دولت اصلاحات کلید

1. Pelen Milzo
2. Robert Cohen



خورد. در واقع جهانی شدن سیاسی دنباله توسعه اقتصادی دولت پیشین، یعنی دولت هاشمی رفسنجانی بود. در دولت اصلاحات، توجه به امر سیاسی به ویژه مشارکت سیاسی، یعنی شرکت کردن در امور سیاسی افزایش یافت. جامعه ایران و بیشتر در راستای آموزه‌های انقلاب مشروطه برای تشکیل جامعه مدنی افزایش یافت. فضای باز سیاسی شکل گرفت و مطبوعات به عنوان رکن چهارم و کتاب مقدس دموکراسی فعالیت گسترده یافت. در این دوران، شرایط گذار به دموکراسی فراهم شد. در این دوران، پلورالیسم و تکثرگرایی فکری به یک پارادایم ثابت تبدیل شد. قدرت تسامح و مدارای سیاسی بالا گرفت. احزاب مختلفی شکل گرفت و رقابت‌های حزبی، درون‌مایه فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی شد. در این دوره و تحت تأثر امواج جهانی، ارتباطات سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، گزینش سیاسی، تجمع و بیان خواسته‌ها به صورت هدفمند، در دستورکار نیروها و کنشگران سیاسی قرار گرفت.

چنانچه از منظر غیر حقوقی و غیرهنجاری، سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گیرد، روش دیالکتیکی در بررسی جهانی شدن در تعارض با تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیست. در برخی از متون سیاست خارجی ایران به رویکرد سه جانبه پویا در تحلیل سیاست خارجی ایران با ملاحظه اوضاع داخلی، نظام بین‌المللی و سیاست خارجی تأکید شده است. پویا بودن سیاست خارجی در حقیقت حاکی از پویایی جهانی شدن است. جهانی شدن یک نظام اجتماعی پویا است که خود را در مقیاس‌های متفاوت و در شکل‌های متفاوت، به طور دائم بازتولید می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی شدن به مثابه یک نظام تو در تو تصور می‌شود که این نظام همانند گردهادی است که در درون آن گردهادهای کوچک‌تر قرار دارند و براساس منطوق و عامل محرکه خود عمل می‌کنند و لذا، حرکتشان با گردهادهای بزرگ‌تر متفاوت است. جهانی شدن نیز از همین حالت بر خوردار است. بنابراین، رابطه اثرگذاری و اثرپذیری بین جهانی شدن و زیر مجموعه‌های منطقه‌ای، ملی یا فرو ملی، امری بسیار پیچیده، غیر قابل محاسبه و غیرقابل پیش‌بینی است.

**جهانی شدن حاکمیت ملی در ایران:** جهانی شدن علاوه بر فرهنگ، هویت، اقتصاد، سیاست و سیاست خارجی در عرصه حاکمیت ملی نیز راه یافته است و حوزه وسیعی را شامل می‌شود. حاکمیت به معنای چیرگی قانونی حکومت بر ملت و سرزمین است و مفهوم اجرای قوانین حکومت برای کنترل مردم و سرزمین در محدوده جغرافیایی‌اش را می‌رساند. مفهوم حاکمیت در سطوح فضایی گوناگون قابل بررسی است که عبارتند از: سطوح فروملی (محلی)، ملی و فراملی (عباسی اشقلی، ۱۳۸۴: ص ۹۷).

حاکمیت ملی ایران به لحاظ وضعیت ایدئولوژیک نیز از جهانی شدن اثراتی را می‌پذیرد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی و شرایط پساانقلابی (غیرعادی بودن نسبت به یک جامعه انقلابی)، خود به خود پتانسیل بالایی از تعارض جویی محیط فرهنگی و سیاسی و امنیتی خارجی و به ویژه نظام جهانی سرمایه‌داری لیبرال را با خود دارد. این موضوع نه تنها نسبت به نظام جهانی سرمایه‌داری لیبرال، بلکه حتی محیط پیرامونی متعارض اعراب و مسلمانان را نیز در مقابل خود دارد. طبعاً در چنین شرایطی، روندهای کلی جهانی شدن و هنجارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی آن، نه در جهت تقویت بنیان‌های ایدئولوژیک حاکمیت ملی، نه خنثی نسبت به آن، بلکه کاملاً در تعارض با آنها هستند. از این‌رو، حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران (اقتدار ملی و استقلال آن) در مقابل جهانی شدن آسیب‌پذیر هستند. جهان سومی بودن و شرایط در حال توسعه بودن نیز طبعاً مزید بر علت است و همانند همه کشورهای جهان سومی دیگر، حاکمیت ملی ایران از این پدیده همانند پدیده‌های سلف آن (استعمار، استثمار، امپریالیسم) آسیب‌پذیر است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۱: ص ۳۹).

#### ۵. شناسایی عوامل بازدارنده تأثیر جهانی شدن بر نگرش نخبگان اصول‌گرا و محافظه‌کار

یافته‌ها و داده‌های پژوهشی نشان می‌دهند که عواملی نظیر تشکیل دولت ایدئولوژیک و توده‌ای شدن جامعه، انقطاع دولت‌ها و شکست در برنامه‌های آنها، موجب نگرش منفی و سلبی نخبگان اصول‌گرا و محافظه‌کار و انقطاع دولت‌ها و گسست در برنامه‌های آنها در قبال جهانی شدن شده است. در ادامه این شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دولت ایدئولوژیک دارای دو ویژگی سیاسی کردن کل جامعه و علائق اجتماعی و همچنین سنت‌گرایی اسلامی است. سنت اسلامی که مبنای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی قرار گرفته، با ایدئولوژی جهانی شدن که مبتنی بر لیبرالیسم است، در تضاد و مخالف آن باشد. شواهد و قراین نشان می‌دهند که سنت اسلامی بیش از همه در اندیشه‌های نخبگان اصول‌گرا انعکاس داشته و این اندیشه مبنای الگوی عمل نخبگان اصول‌گرا بوده است و همین الگو سبب شده است، که نخبگان اصول‌گرا جهانی شدن را خلاف و در تضاد اندیشه‌های سنت‌گرا و اسلامی خود بدانند (بشیری، ۱۳۸۵: ص ۷۶).

ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر تقویت سمبل‌های مشترک، توده‌ای، فرا قومی و فراطبقاتی تأکید می‌کرد. همچنین در جامعه توده‌ای عصر جمهوری اسلامی بر مفاهیمی چون: برادری انقلابی، اخوت اسلامی و تعلق به امت واحده هم از یک‌سو همبستگی سنتی از دست رفته را ظاهراً جبران می‌کرد و هم از سوی دیگر می‌بایست از سرایت گسیختگی و سرگشتگی که ویژه نهایی جامعه توده‌ای است، جلوگیری کند. افزون بر این،

جامعه توده‌ای عصر جمهوری اسلامی از خصلت‌های رمانتیک مذهبی نیز بر خوردار بود. همین خصلت‌های رمانتیک مذهبی، زمینه‌ساز مخالفت با مدرنیسم و مظاهر آن بود. بنابراین، از آنجایی که جهانی شدن یکی از مظاهر مدرنیسم به شمار می‌رفت، طبیعی بود که نخبگان اصول‌گرا جهانی شدن را نوعی حمله به همان خصلت‌های رمانتیک و ارزش‌های اسلامی خود بدانند (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۱۰۷).

انقطاع و گسست در برنامه دولت‌ها را باید از ویژگی‌های عمده دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران دانست. در واقع انقطاع و گسست در برنامه‌ها، بر وضعیت از هم گسیختگی برنامه‌های دولت دلالت می‌کند. مفهوم مقابل انقطاع، پیوستگی است و معنایش این است که اگر پیوستگی در برنامه‌های دولت باشد، امید به پیشرفت زنده خواهد بود و به صورت یک عامل مثبت تأثیر گذار عمل خواهد کرد. واقعیت آن است که تشکیل دولت و کابینه در جمهوری اسلامی ایران با برنامه‌های منحصر به فرد و البته متفاوت بوده است. برای نمونه اولویت‌های دولت هاشمی رفسنجانی توسعه اقتصادی و برنامه‌های دولت اصلاحات، توسعه سیاسی بوده است؛ یا در مقام قیاس، اولویت‌های دولت احمدی‌نژاد متفاوت با اولویت‌های دولت تدبیر و امید بوده است. بنابراین، تفاوت در اولویت‌ها در طول عمر جمهوری اسلامی ایران، نوعی گسست گفتمانی را در برنامه‌های دولت به وجود آورده است (شادلو، ۱۳۸۶: ص ۹۳).

در راستای این نگرش، نتیجه جهانی شدن در ابعاد مختلفی مانند جهانی شدن فرهنگ و هویت، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی، منفی و فاقد نتیجه منطبق با انتظارات جریان اصلاح طلب بوده است. کشور ایران از فرهنگ‌های محلی مختلفی در قالب اقوام مختلف ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب تشکیل شده است؛ به واسطه گسترش ارتباطات و امکانات رسانه‌ای، این فرصت برای این فرهنگ‌های قومی پدید آمد تا فرهنگ خود را به شکلی دلخواه ارائه نماید و بر وجه متفاوت و متمایز فرهنگ خود با فرهنگ ملی پافشاری نمایند؛ که همین امر در دراز مدت، چالش‌هایی را برای ایران به بار می‌آورد. تأکید نخبگان محلی و قومی بر تفاوت‌های فرهنگی خود مانند آداب و رسوم و نوع معاشرت، نوع نگاه به مسائل محلی و ملی، سبب شده است تا فرهنگ و هویت‌های محلی در سال‌های اخیر، در حالت برجسته نسبت به فرهنگ و هویت ملی - ایرانی قرار گیرد. چالش دیگر جهانی شدن فرهنگ در باور نخبگان اصول‌گرا، بابت رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی است؛ به این مفهوم که جهانی شدن رسانه‌های اطلاعاتی - ارتباطی به ویژه نفوذ رسانه‌های خارجی در افکار ملت ایران، نقش بسیار مهمی را در شکل دادن به دیدگاه‌ها و تفکرات عمومی حکومت و حاکمیت ملی ایفا کرده است. همین امر هم متقابلاً می‌تواند فرهنگ عدم اعتماد را در بین افراد ملت نسبت به

مسئولان حکومتی به دنبال داشته باشد.

نقش کلیدی و محوری جریان اصول‌گرا در دولت محوری‌شدن سیاست، غیرقابل انکار است. در واقع به جهت نقش کلیدی و محوری همین جریان اصول‌گرا در نحوه چینش و آرایش سازوکارهای قدرت بود که موجب روی‌کار آمدن دولت مهر، یعنی محمود احمدی‌نژاد گردید. در حقیقت پیروزی محمود احمدی‌نژاد نتیجه ناکارآمدی سیاست تعدیل اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی و توسعه‌نیافتگی سیاسی دولت اصلاحات بود. با روی‌کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، فرایند امر سیاست تا میزانی قدسی شد و دولت‌گرایی محض و تفکر ایتالیسمی<sup>۱</sup> دولت جای سایر بازیگران امر سیاست را گرفت و همین مسئله سبب شد که گفتمان تدبیر و امید، جانشین الگوهای گذشته شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ص ۲۷).

در نگاه نخبگان اصول‌گرا، اگرچه جهانی‌شدن نتوانست حاکمیت ملی دولت‌ها از بین ببرد، اما موجب چالش‌هایی در حوزه فرهنگ، ایدئولوژیک و اقتصاد شده است. در ارتباط با تأثیر جهانی‌شدن و حاکمیت ملی، جمهوری اسلامی ایران در بعد فرهنگی، اگرچه در ابعادی مثل مصرف‌گرایی، فردگرایی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های سنتی و به ویژه روی جوانان (گرایش جوانان به مد و البسه خارجی، موسیقی خارجی)، زنان (اشتغال زنان، فمینیسم و مثلاً تأثیر آن بر گرایش زنان به عدم باروری و...)، مقولات هنر و ادبیات (مثلاً تأثیر زبان انگلیسی بر زبان فارسی و هنرهای سینما و تئاتر و...) و فرهنگ اجتماعی (مثلاً آمار شهرنشینی و روستانشینی و...) ملاحظه کرد، اما این امکان را فراهم کرده است تا دست‌اندرکاران مسایل فرهنگی کشور، برای حفظ، تقویت و انطباق شرایط فرهنگی کشور با وضعیت جدید امکانات و ابزارها را بازاندیشی کنند. در این راستا می‌توان به تکاپوی تأکید بر کارآمدی، راه‌اندازی شبکه‌های رسانه‌ای و ارتباطی بین‌المللی، کشف، بازاندیشی و بازتولیدی بنیان‌های اصیل حقوق بشری دینی و استفاده از فرصت‌های جهانی‌شدن معکوس برای تقویت بنیان فرهنگی حاکمیت ملی اشاره کرد. به لحاظ اقتصادی نیز، حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به اشکال مختلف محدود شده است. از یک‌سو، نقش ایران در اقتصاد جهانی رو به کاهش است و اگر صادرات نفت نباشد، بسیار پایین‌تر خواهد آمد. از سوی دیگر، ایران در معرض فرار مغزها، خروج سرمایه‌ها و ورود کالاهای قاچاق قرار دارد. همچنین، تلاش‌های ایران برای ورود به سازمان جهانی بازرگانی با مانع آمریکا روبروست (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶: ص ۷۸).

## ۶. نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی و شناسایی عوامل و مصادیق جهانی شدن در نگرش نخبگان اصلاح طلب و اصولگرا بود. درباره تأثیر جهانی شدن بر نخبگان ترقی خواه و اصلاح طلب این نکته در خور توجه بوده که چون جهانی شدن بخشی از پروژه نخبگان ترقی خواه و اصلاح بوده است و با بنیاد فکری آنها سازگاری داشته، لاجرم جهانی شدن در نظر و نگرش این دسته از نخبگان، موجب پیشرفت در حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی شده است. به نظر نیز می رسد که نخبگان ترقی خواه و اصلاح طلب بخواهند، حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی را در مسیر جهانی شدن قرار دهند. نخبگان ترقی خواه و اصلاح طلب، جهانی شدن را در راستای همگون سازی جهانی، در آینده لازم و ضروری می دانند و نمی توانند از فرصت های جهانی شدن غافل بمانند. در مقابل، جهانی شدن در نظر و نگرش نخبگان محافظه کار و اصولگرا به جهت عواملی چون: دولت ایدئولوژیک، گفتمان سنت گرای ایدئولوژیک و جامعه توده ای، توانست موجب فرصت شود و نتیجه ای جز تهدید برای حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی نداشته است. در راستای نظر و نگرش نخبگان محافظه کار و اصولگرا به نظر نمی رسد که این دسته از نخبگان بخواهند نسبت به فرصت های جهانی شدن در حوزه هایی چون: هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی خوش بین باشند؛ چرا که جهانی شدن بخشی از پروژه مدرنیته و در واقع جهانی سازی است که در خلاف ارزش های آنها قرار دارد. از آنجائی که استفاده از فرصت های جهانی شدن در حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی لازم و ضروری است، لازم است که نخبگان رسمی جمهوری اسلامی ایران از وحدت رویه ای در قبال جهانی شدن برخوردار شوند.

در ادامه برای استفاده از فرصت های جهانی شدن و به دست آوردن وحدت رویه و قرار دادن حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی، راهکارها و پیشنهادهائی ارائه می گردد که می تواند موجب همگون سازی ارزش ها و هنجارهای جهانی گردد:

- شرایط جذب نخبه به گونه ای فراهم گردد که چرخه نخبگی قابلیت پذیرش نخبه از بیرون را داشته باشد؛
- از جهانی شدن به پروژه جهانی سازی در نزد نخبگان محافظه کار و اصولگرا، تعبیر و تفسیر نشود؛
- حوزه های هویت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، سیاست خارجی و حاکمیت ملی به صورت یکسان و

همزمان جهانی شود؛

- درباره تغییر گرایش نخبگان محافظه‌کار و اصول‌گرا در قبال جهانی‌شدن، برنامه‌هایی از سوی نهادهای پژوهشی و آموزشی در نظر گرفته شود؛
- همچنین برای همگرایی و وحدت رویه نخبگان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در قبال جهانی‌شدن از تجربه کشورهای درگیر جهانی‌شدن استفاده شود.

## منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸). جهانی شدن سیاست در ایران. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی. ترجمه ابراهیم منقی و زهره پوستینچی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: انتشارات نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). جهانی شدن و هویت. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳.
- تقوی، مهدی (۱۳۸۵). تورم رکودی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۶-۱۰۵.
- توحید فام، محمد (۱۳۸۲). مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: انتشارات روزنه.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۸۶). جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست، ۳۷(۳).
- حاجی‌یوسفی، محمد (۱۳۸۱). جهانی شدن اقتصاد: بین‌المللی شدن دولت‌ها و حاکمیت‌ها و همکاری. رهیافت‌های سیاسی و اقتصادی، شماره ۳.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن. تهران: سمت.
- شادلو، عباس (۱۳۸۶). جستار تاریخی پیرامون تکثرگرایی در جریان اسلامی و پیدایش جریان راست و چپ مذهبی ۱۳۸۰-۱۳۶۰. تهران: نشر وزرا.
- ظریفی‌نیا، حمید (۱۳۸۸). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران. تهران: نشر آزادی اندیشه، چاپ سوم.
- عباسی اشقلی، مجید (۱۳۸۴). جهانی شدن و بعد امنیت ملی. راهبرد، شماره ۳۶.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
- کلارک، یان (۱۳۸۲). جهانی شدن و نظریه بین‌المللی. ترجمه فرامرز تقی‌لو. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- گروستاین، آیدا (۱۳۸۵). تنوری‌های اقتصاد جهانی و جهانی شدن اقتصاد. ترجمه پیروز الف. تهران: نشر تندر.
- مصلی‌نژاد، غلام‌عباس (۱۳۸۴). دولت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران: نشر قومس.
- Gong, G. (2002). *The Standard of 'Civilisation' in International Society*. Oxford: Clarendon Press.
- Mozaffari, M. (ed.) (2002). *Globalization and Civilizations*. Routledge.
- Wilkin, P. (1997). *New Myths for the South: Globalization and the Conflict Between Private Power and Freedom*. Ins Thomas & P.Wilkin (eds.). London: Macmillan: Globalization and the South.